

بررسی تطبیقی وصف خمر در شعر اعشی و منوچهری دامغانی

مرتضی براری رئیسی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۵

الهی بخش گوری**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۷

چکیده

خمريات از ديرباز مورد توجه شاعران پارسی و تازی بوده است. /عشی و منوچهری /دامغانی از جمله این شاعران اند که به این موضوع پرداخته‌اند. بنابراین به خاطر بسامد بالای توصیف باده در شعرشان، و عدم پژوهش در این خصوص، این جستار به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، نگاه دو شاعر به این موضوع را بررسی کرده و تفاوت‌ها و اشتراکات شعری آنان را بیان کند. یافته‌های این پژوهش نشانگر است که مضامین مشترکی همچون تأثیر باده بر جسم، شفابخشی بوی باده و وصف مجالس باده نوشی همراه با رقص کنیزکان وجود دارد. دقت و شمول، توجه به جزئیات و حسّیات، پرگویی، جان بخشی به باده و زمینی بودن باده، از دیگر ویژگی‌های مشترک است. **کلیدواژگان:** خمريات، مضامین مشترک، تأثیرپذیری، موسیقی، باده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر(مری). MortezaBarari63@yahoo.com

** عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر(استادیار).

نویسنده مسئول: مرتضی براری رئیسی

مقدمه

وصف خمر از دیرباز در شعر قدیم عربی به خاطر شرایط اجتماعی مطرح بوده و بیش تر شاعران عربی، در این موضوع طبع آزمایی کردند که از میان آن‌ها، به عدی بن زید عبادی، حسان بن ثابت، اخطل و ابونواس می‌توان اشاره کرد که بهترین شعرها را در این زمینه سروده‌اند، به طوری که شاعران در دوره‌های بعدی در الفاظ و مضامین از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌اند. در زبان فارسی نیز شاعران همواره به توصیف باده پرداخته و از میان آن‌ها می‌توان به رودکی، حافظ شیرازی، فرخی سیستانی، و ملک الشعراء بهار اشاره کرد که این شاعران در برخی از مضامین، متأثر از شاعران عربی چون ابونواس بودند.

میمون بن قیس معروف به اعشی و منوچهری دامغانی نیز از جمله این شاعران عربی و فارسی هستند که در دیوان شعر خود، با نگاهی نو به این مسأله پرداخته و توصیف‌های زیبایی در این زمینه به جا گذاشته‌اند که نمی‌توان از آن غافل شد. نکته دیگر این است که منوچهری دامغانی در اشعار خود از ابیات اعشی استفاده کرده و به نظر می‌رسد که از او تأثیر پذیرفته است. بنابراین این پژوهش در چهارچوب دیوان دو شاعر و با استفاده از کتاب‌هایی در خصوص خمریات، به دنبال آن هست که با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نگاه این دو شاعر را در خصوص وصف باده، مورد بررسی قرار داده و تفاوت دیدگاه‌های آنان را همراه با بیان اشتراکات تحلیل کند. نیز در این مقاله تلاش بر آن است که میزان تأثیرپذیری منوچهری دامغانی از اعشی را مورد بررسی قرار دهد. نکته دیگر، این است که این پژوهش، بر اساس نقد تطبیقی مکتب آمریکایی انجام می‌گیرد که معتقد به بررسی موازنه‌ای و مقایسه‌ای است.

شایان ذکر است که تازگی موضوع، و عدم تحقیق در بررسی دیدگاه‌های دو شاعر در خصوص باده، و احتمال تأثیرپذیری منوچهری دامغانی از اعشی، از دلایل انتخاب این موضوع است.

اما پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن‌ها هست، عبارت‌اند از:

اعشی و منوچهری دامغانی چه مضامین مشترکی در خصوص توصیف باده دارند؟

ویژگی‌های شعری آن‌ها در توصیف باده چیست؟

اما فرضیه ما بر این اصل استوار است که به نظر می‌رسد در شعر این دو شاعر، مضامین مشترکی همچون تأثیر باده بر جسم، شفاف‌بخشی بوی باده و توصیف مجالس باده‌نوشی همراه با آواز کنیزکان وجود داشته باشد. نیز می‌توان گفت که دقت و شمول، توجه به جزئیات، وصف حسّی، قصه پردازی، پرگویی در وصف باده، و جان‌بخشی به باده، از ویژگی‌های شعری مشترک دو شاعر در موضوع خمر است. نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد نگاه دو شاعر به باده زمینی است.

پیشینه پژوهش

شایان ذکر است که در مورد شعر خمر در ادبیات فارسی و عربی، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ۱- «نگاه شاعرانه رودکی و ابو نواس به خمریات» که محمد رضا نجاریان و محمد کاظم کهدویی، در سال ۱۳۹۰ش در نشریه ادبیات تطبیقی کرمان به چاپ رساندند؛ و نگارندگان بعد از معرفی دو شاعر، و بررسی تشبیهات شعر آن‌ها، به این نتیجه رسیدند که توصیفات و تشبیهات مربوط به خمر در شعر رودکی و ابونواس، در برخی از موارد، یکسان نیستند، اما با این حال آن‌ها مضامین مشترکی ارائه داده و باده را از جهت رنگ به عقیق یمانی، چشم خروس، خون تاک و غیره تشبیه کرده‌اند. این مقاله، با اینکه موضوع تازه‌ای دارد اما نواقصی نیز دارد که از میان آن‌ها می‌توان به نتیجه‌گیری آن اشاره کرد که ضعیف، و دارای مطالب سطحی است و نیز مقاله دارای مقدمه منسجم نیست.

البته در مورد شعر اعی و منوچهری دامغانی نیز پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- پایان‌نامه «ترجمه دیوان اعی» که در دانشگاه بین‌المللی قزوین توسط علیرضا ذوالفقاری، حشمت‌اله زارعی کفایت و سید فاضل‌اله بخشی (۱۳۸۷ش) به راهنمایی سید محمد میرحسینی نگاشته شده، و نگارندگان بعد از ترجمه دیوان شاعر، به این نتیجه رسیدند که اعی یکی از بهترین شاعران دوره جاهلی است که در انواع موضوعات شعر طبع آزمایی کرده و شهرت او بیش‌تر در موضوع مدح، غزل و خمر است. نیز شعر او دارای موسیقی دلنشینی است که به خاطر همین مسأله، به «صناجة العرب: چنگی عرب» مشهور شده است. ۲- مقاله «ایران ساسانی در دیوان

اعشی»، اثر *آذرتاش آذرنوش* که در سال ۱۳۷۶ش که در کتاب «مقالات و بررسی‌ها» به چاپ رسیده و نگارنده، تمدن ایران ساسانی را در شعر/اعشی مورد بررسی قرار داده و در آن، از خمریات/اعشی سخنی به میان نیاورده است. ۳- مقاله «مقایسه اشعار وصفی ابن معتر عباسی و منوچهری دامغانی» که در سال ۱۳۸۹ش توسط *جعفر دلشاد و الهام قهرمان نژاد* نگاشته شده و در نشریه ادبیات تطبیقی کرمان به چاپ رسیده است؛ که نگارندگان در این پژوهش پس از معرفی دو شاعر و اشعار وصفی آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو شاعر، از سرآمدان وصف در دو ادب فارسی و عربی هستند و منوچهری در توصیفات خود به روش کاری/ابن معتر توجه داشته است. نکته دیگر اینکه شعر منوچهری، اندکی سخت است اما شعر/ابن معتر، دارای روانی و سادگی بیش‌تری است. سخن آخر این است تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، در مورد بررسی و مقایسه وصف خمر در شعر/اعشی و منوچهری/دامغانی شیرازی، تا کنون پژوهشی به صورت تطبیقی صورت نگرفته است و چنین پژوهشی می‌تواند کنکاشی نو در این زمینه باشد.

خمریات و جلوه‌های آن در شعر عربی و فارسی

واژه «خمر» در لغت، مصدر فعل «خَمَرَ يَخْمُرُ وَ يَخْمِرُ الرَّجُلُ»: به آن مرد باده نوشانید» است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ماده خَمَر). خمریات، در اصطلاح، به قصایدی گفته می‌شود که شاعر در آن از موضوعاتی چون می، ساقی، میکده، جام و غیره سخن می‌گوید.

باده نوشی از زمان‌های گذشته رایج بوده و در هر زبانی، شاعران در وصف آن شعر سرودند. در ادب عربی نیز وصف باده از زمان پیدایش شعر جاهلی وجود داشته و شاعران بسیاری در این عرصه طبع آزمایی کرده‌اند و/اعشی پیشگام این فن است. وی از جمله شاعرانی است که با این موضوع شناخته می‌شود و با این موضوع، بر دیگر شاعران جاهلی غلبه می‌کند. استادی این شاعر در این موضوع چنان است که نظر قدما را جلب کرده و گفته‌اند: وی شاعرترین مردمان است، آنگاه که از مستی و سرخوشی سخن می‌راند (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۷۵/۹). علاوه بر/اعشی، شاعرانی چون عدی بن زید عبادی و عمرو بن

کلثوم و طرفه بن عبد، عنتره بن شداد عبسی نیز در عصر جاهلی، در این موضوع طبع آزمایی کرده‌اند (فاخوری، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

شایان ذکر است که شاعران جاهلی وقتی به وصف باده می‌پرداختند، بیش‌تر مقصودشان، فخر و ستایش کرم و جوانمردی خود بود و در وصف خود باده، مختصر سخن می‌گفتند. توصیفات آنان از رنگ، طعم، شکل ساغر و مستی آن فراتر نمی‌رفت. علاوه بر این، آن‌ها وصف باده را موضوع مستقلی به شمار نمی‌آوردند (همان: ۲۹۷). نکته دیگر اینکه، شعر خمری در این دوره، تنها به وصف مادی و حسی و لذت‌های دنیوی می‌پرداخت (نجاریان، ۱۳۹۰: ۲۶۰). بعد از عصر جاهلی و علی‌رغم درخشش اسلام و تحریم خمر نیز شاعرانی چون ابومحجن ثقفی، یزید بن معاویه، ولید بن یزید، اخطل تغلبی و صریع الغوانی در این زمینه شعر سرودند (حاوی، ۱۴۱۷: ۷۹) که خمریات این شاعران نیز با خمریات شاعران جاهلی چندان تفاوتی نداشت. اما این موضوع در عصر عباسی به خاطر عمران و آبادانی و در نتیجه گسترش مجالس رقص و آوازه خوانی و باده‌نوشی، توسعه چشمگیری پیدا کرد و شاعری چون ابونواس، وصف باده را در ادبیات عربی به عنوان یکی از ابواب شعر استقلال بخشید (فاخوری، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

البته توصیف باده در شعر کهن فارسی نیز جلوه ویژه‌ای دارد. شعر در دربارهای ایران اصولاً سنتی یعنی غیر مکتوب و شفاهی بود و با موسیقی خنیاگران در مجلس باده اجرا می‌شد (Boyce, 1947: 10-12). در عصر ساسانی، خنیاگران همواره در دربار و نزد شاهنشاه حضور داشتند و در جشن‌های نوروز و مهرگان همراه با باده نوشی، سروده‌های آهنگین به شاه پیشکش می‌کردند. در دوره‌های بعد نیز این مجالس همواره برپا می‌شد و شاعران به توصیف این مجالس و باده نوشی می‌پرداختند. از برجسته‌ترین شاعرانی که به توصیف باده پرداخته به رودکی می‌توان اشاره داشت که از وصف مجالس باده نوشی غافل نمانده و در بیتی سروده:

ساقی تو بده باده و مطرب تو بزن رود تا می خورد که وقت طرب ماست
(رودکی، ۱۳۸۲: ۷۲)

در دیوان شاعرانی چون ناصر خسرو، حافظ شیرازی، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی، ملک الشعراء بهار و دیگران نیز می‌توان نمونه‌هایی از توصیف باده را دید که به

تأثیر از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه خود سرودند و در پاره‌ای از مضامین از شاعران عربی نیز تأثیر پذیرفته‌اند. البته باده در شعر برخی شاعران عربی و فارسی همچون /بن فارض و حافظ شیرازی، باده زمینی نیست بلکه همان معرفت خدایی است.

تأثیرپذیری شاعران عربی از اعشی

/اعشی سرآمد شاعران در موضوع خمر به شمار می‌رود. باده در نظر وی چنان اهمیت دارد که وقتی از مردم قریش شنید که پیامبر(ص) آن را تحریم کرده، از تصمیم ملاقات حضرت منصور گردید و گفت: «وای، بر می‌گردم تا باقی‌مانده خمر در ته جام را بنوشم» (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۸۷/۹ و نیز: ابن هشام، ۱۳۶۱: ۱/۳۷۵-۳۷۶). او در موضوع خمر چنان توانمند است که وی را در این موضوع شاعرترین مردمان دانسته‌اند(ابن رشیق، ۲۰۰۰: ۱/۱۷۴)، و شاعران بسیاری از او تقلید کرده‌اند. یکی از این شاعران که از تصاویر و مضامین خمریات /اعشی بسیار بهره برده، عدی بن زید عبادی است. به عنوان مثال، /اعشی سروده:

وَكَأْسٍ كَعَيْنِ الدِّيكِ بَاكَرَتْ حَدَّهَا بَفْتِيَانِ صِدْقٍ وَالنَّوَاقِيسُ تُضْرَبُ
(اعشی، بی تا: ۲۰۳)

- چه بسا جام باده‌ای چون چشم خروس که همراه با جوانان راستگو سوی تیزی آن شتافتم، حال آنکه ناقوص‌ها زده می‌شد

عدی بن زید عبادی نیز با گرفتن تشبیه /اعشی یعنی تشبیه «جام باده: کأس» به «چشم خروس: عین الدیک» می‌گوید:

قَدَّمْتَهُ عَلَى عُقَارٍ كَعَيْنِ الْـ دِّيكِ صَفَى سُلَافِهَا الرَّأْوُوقُ
(عدی بن زید، ۱۹۶۵: ۷۸)

- او را سوی شرابی بردم که چون چشم خروس بود و صافی، این باده دست اول را تصفیه کرده بود

یکی دیگر از شاعرانی که از /اعشی تأثیر پذیرفته، حسان بن ثابت است که اوصافش از باده به ویژه در قصایدی که در مدح ملوک غسان سروده، شهرت دارد. خمریات او معمولاً به فخر و مدح آمیخته شده و به سبک جاهلی بوده(فاخوری، ۱۳۸۳: ۱۸۲) و متأثر از

اعشی است. به عنوان نمونه، *اعشی* در معلقه خود، تصویری از ساقی را ارائه می‌دهد که گوشواره به گوش دارد و لباس خود را جمع کرده و با در دست داشتن جام باده، بسیار در نوشاندن باده به باده نوشان کوشا است:

يَسْعَى بِهَا ذُو زُجَاجَاتٍ لَه نُطْفٌ مُقَلَّصٌ أَسْفَلَ السِّرْبَالِ مُعْتَمِلٌ

(اعشی، بی تا: ۵۹)

- آن (باده) را ساقی‌ای می‌آورد که که چندین جام [به دست داشت] و گوشواره به گوش بود. (نیز) حاشیه لباس خود را جمع کرده بود و [در آوردن جام باده] بسیار کوشا بود

حسان بن ثابت نیز تصویر مصراع اول بیت *اعشی* را چنین در مصراع اول خود بیان

می‌کند:

يَسْعَى عَلَيَّ بِكَاسِهَا مُتَنَطِّفٌ فَيَعْلُنِي مِنْهَا وَ لَوْ لَمْ أَنْهَلِ

(حسان بن ثابت، ۱۹۹۴: ۱۸۵)

- آن ساقی گوشواره به گوش، ساغری نزد من آورد و با آنکه ننوشیده بودم، مرا

سرمست کرد

اینگونه پیداست که تنها شاعران دوره جاهلی و اموی از *اعشی* تأثیر پذیرفته‌اند، بلکه شاعران عصر عباسی نیز از *اعشی* تأثیر پذیرفته و مضامین شعری او را در موضوع خمر در شعر خود به کار برده‌اند. به عنوان مثال، «بشار بن برد یرجوخ در توصیف ویژگی‌های خمر و باده نوشان مست بر مضامین شعر *اعشی* تکیه می‌کند» (بستانی، ۱۹۸۹: ۵۳/۲) و مضامین خمریات وی، همان مضامینی است که *اعشی* قبل از او به تصویر کشیده است. *ابونواس* یکی دیگر از شاعران عباسی است که نوآوری وی در خمریاتش تجلی یافته (همان: ۷۶/۲) و بسیار از *اعشی* به خصوص در موضوع خمر تأثیر پذیرفته است. او شاعری است که وصف باده را در ادبیات عربی به عنوان یکی از ابواب شعر استقلال بخشیده و بسیاری از مضامین شعر *اعشی* را در خمریاتش به کار برده است (فاخوری، ۱۳۸۳: ۳۰۹ و ۳۱۱). این شاعر در موضوع خمر چون *اعشی* از بحرهای کوتاه، الفاظ سلیس و روان و داستان پردازی در وصف مجالس خمر استفاده می‌کند. علاوه بر آن، الفاظ و مضامین

بسیاری در دیوان وی می‌توان دید که از *اعشی* تقلید کرده است. به عنوان نمونه، *اعشی* سروده:

تَدِبُّ لَهَا فِتْرَةً فِي الْعِظَامِ وَتُغْشِي الذُّوَابَةَ فَوَارَهَا
(اعشی، بی‌تا: ۳۱۹)

- (آن باده در جسم) نفوذ می‌کند و سستی در استخوان‌ها رخنه می‌کند و (نفوذ و) جوشش آن، سر انسان (همه اعضای جسم) را فرا می‌گیرد
ابونواس نیز با تأثیرپذیری از *اعشی*، مضمون بیت او یعنی «تأثیر باده بر جسم و استخوان‌ها» را اینگونه به تصویر کشیده است:

وَلَهَا دَبِيبٌ فِي الْعِظَامِ كَأَنَّهُ قَبْضُ النَّعَاسِ وَأَخْذُهُ لِلْمَفْصَلِ
فَتَمَشَّتْ فِي مَفَاصِلِهِمْ كَتَمَشَّى الْبُرِّ فِي السَّقَمِ
(ابونواس، ۱۴۲۲: ۴۵)

- آن (باده) در استخوان‌ها نفوذ می‌کند که گویی (تأثیرش) چون چرت گرفتن (انسان) و نفوذش بر مفصل اوست. (آن باده) در مفصل‌های آنان راه رفت، آنچنان که بهبودی در (جسم) بیمار راه می‌رود

تأثیرپذیری منوچهری دامغانی از *اعشی*

منوچهری دامغانی از جمله شاعران پارسی‌گوی است که بسیار از شاعران عرب تأثیر پذیرفته است. «او به دلیل تسلط بر ادبیات عرب و آگاهی از سروده‌های سرایندگان عرب زبان، گاه سروده‌های آنان را استقبال کرده و به تقلید مضمون‌های آنان پرداخته یا به مطلع برخی از آن‌ها اشاره کرده است» (*منوچهری دامغانی*، بی‌تا: ۱۵). و مضامین و موضوعات گوناگونی را از شعرای عرب گرفته و در شعرش به کار بسته است (نامداری، ۱۳۹۵: ۱۵۶)؛ نکته اینجاست که بکارگیری واژه‌ها و اصطلاحات عربی، حتی واژگان غریب و نامأنوس، و اشاره به نام نزدیک به سی سراینده عرب مثل *امرؤ القیس*، *بشار*، *ابن معتر*، *ابن رومی*، *ابوتمام* و غیره در دیوان او، اشاره به مطالعه و حفظ دیوان‌های سرایندگان عرب، بهره‌گیری از اسلوب و درون‌مایه‌های عربی از مواردی است که نشان‌دهنده توجه *منوچهری* به ادبیات عرب می‌باشد (*منوچهری دامغانی*، بی‌تا: ۱۱).

شایان ذکر است که منوچهری از جمله شاعرانی است که از/اعشی نیز تأثیر پذیرفته است. او در دیوان خود، علاوه بر گرفتن وزن و قافیه شعر/اعشی یعنی قصیده «کعبه نجران حتم علیک»، به شعر او تضمین نیز کرده است. /اعشی در قصیده خود می‌سراید:

وَكَأْسٍ شَرِبْتُ عَلَى لَذَّةٍ وَأُخْرَى تَدَاوَيْتُ مِنْهَا بِهَا

(اعشی، بی‌تا: ۵۲)

- ای بسا جام می که بهر لذت نوش کردم و سپس جام دیگر نوشیدم که علاج

نخستین کنم

منوچهری با تضمین بیت /اعشی و نیز ذکر نام او در شعر خود می‌گوید:

ابر زیر و بم شعر اعشی قیس همی زد زننده به مضرا بها
و كَأْسٍ شَرِبْتُ عَلَى لَذَّةٍ وَأُخْرَى تَدَاوَيْتُ مِنْهَا بِهَا
لِكَيْ يَعْلَمَ النَّاسُ أَنِّي إِمْرُؤٌ أَخَذْتُ الْمَعِيشَةَ مِنْ بَابِهَا

(منوچهری دامغانی، بی‌تا: ۲۵)

مضامین مشترک اعشی و منوچهری دامغانی در وصف خمر

از آنجایی که /اعشی و منوچهری دامغانی از شاعران وصف خمر بوده، مضامین مشترکی در دیوان آن‌ها وجود دارد که در زیر، این مضامین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. شفابخشی باده

یکی از مضامین مشترکی که در شعر/اعشی و منوچهری دامغانی مشاهده می‌شود، شفابخشی باده است. /اعشی در وصف باده ناحیه «عانة» می‌گوید که از گشوده شدن درب آن یک سال گذشته و این باده چنان تأثیرگذار است که سرماخوردگی فرد بیمار را می‌زاید:

مِنْ خَمْرِ عَانَةَ قَدْ أَتَى لِخْتَامِهَا عَامٌ تَسَلُّ غُمَامَةَ الْمَزْكُومِ

(اعشی، بی‌تا: ۶۷)

- (این باده) از باده (ناحیه) عانه است که از گشوده شدن درب آن یک سال گذشته و سرماخوردگی فرد بیمار را می‌زداید
/عشی که وصف‌هایش در مورد باده، دارای صدق عاطفه و احساس است (فاخوری، ۱۳۸۳: ۱۴۱)، در شعری دیگر، باده را آرام‌بخش و تسکین‌دهنده دل انسان معرفی می‌کند:

فَقَامَ فَصَبَّ لَنَا فَهَوَةٌ تُسَكِّنُنَا بَعْدَ إِرْعَادِهَا

(اعشی، بی‌تا: ۷۱)

- آنگاه (ساقی) برخاست و برای ما شرابی ریخت که پس از لرزشش، ما را آرامش بخشید

منوچهری نیز در اشعار خود، باده را آرامش‌بخش و مونس روز و شب دانسته، و بیان می‌کند که غم و اندوهش تنها با آن شفا می‌یابد، و شادی و طرب تنها با آن معنی پیدا می‌کند:

می بر کف من نه که طرب را سبب اینست

آرام من و مونس من روز و شب اینست

تریاق بزرگست و شفای همه غم‌ها

نزدیک خردمندان می را لقب اینست

بی می نتوان کرد شادی و طرب هیچ

زیرا که بدین گیتی اصل طرب اینست

(منوچهری، بی‌تا: ۳۰)

وی در بیت زیر نیز، باده را درمان بیماری‌ها دانسته، و در این خصوص بیان می‌کند که باده، دستور طبیب برای درمان دردهای اوست:

در خمار می دوشینم ای نیک حبیب آب انگور دو سالینهم فرموده طبیب

(همان: ۲۶)

او در بیت دیگری، باده را مایه حیات دانسته و بر این عقیده است که باده، انسان غریب را زنده کرده و به او زندگی دوباره می‌بخشد:

این زیبای ای عجبی مرده انگور بود چون ورا تر کنی، زنده شود اینت غریب

(همان: ۲۶)

۲. تأثیر باده بر جسم

اعشی شاعری است که در وصف باده بسیار سخن پردازی کرده و در این وصف‌ها، به همه جزئیات توجه می‌کند. او علاوه بر رنگ و بوی باده، از تأثیر آن بر جسم و سست شدن استخوان‌ها نیز سخن گفته و چنین می‌سراید:

تَدِبُّ لَهَا فِتْرَةَ فِي الْعِظَامِ وَتُعْشِي الدُّوَابَةَ فَوَارَهَا

(اعشی، بی‌تا: ۳۱۹)

- (آن باده در جسم) نفوذ می‌کند و یک سستی در استخوان‌ها به وجود می‌آید و نفوذ آن، همه اعضا (جسم) را فرا می‌گیرد.

منوچهری دامغانی نیز از تأثیر شراب بر جسم انسان غافل نمانده، به طوری که در بیت زیر اشاره می‌کند که تأثیر شراب آنچنان است که خواب را از انسان می‌رباید:

من خواب ز دیده به می‌ناب ربایم آری عدوی خواب جوانان می‌ناب است

(منوچهری دامغانی، بی‌تا: ۲۷)

۳. توصیف درخشش باده

یکی دیگر از مضامین مشترک دو شاعر، وصف درخشش باده است. اعی در اشعار خود، به باده صاف و روشن عشق می‌ورزد به طوری که از او در مورد لذیذترین چیز دنیا پرسیدند، در پاسخ گفت: باده صافی که ساقی آن را با باران ناشی از ابر صبحگاهی درآمیزد (جاحظ، ۱۹۹۰: ۱۷۸-۱۷۷). اعی در بیت زیر با زبانی ساده، درخشش باده را به خورشید همانند کرده و در این خصوص گوید:

كَأَنَّ شُعَاعَ قَرْنِ الشَّمْسِ فِيهَا إِذَا مَا فَتَّ عَنْ فِيهَا الْخِتَامَا

(اعشی، بی‌تا: ۱۹۷)

- آنگاه که در جام باده را بگشایند، گویی درخشش شاخ خورشید در آن است

منوچهری دامغانی نیز همچون اعی، باده را درخشان معرفی می‌کند. او مخاطب خود را به خوردن باده تشویق کرده و گوید که باده در دست ساقی با چراغ درخشنده، قابل شناسایی نیست:

می خور ای سید احرار شب جشن آمد باده خوردن بلی از عادت احرار بود
زان می ناب که تاداری در دست و چراغ باز دانستنشان از هم دشوار بود
(منوچهری دامغانی، بی تا: ۳۸)

۴. توصیف رنگ باده

اعشی در شعر خود از ذکر رنگ خمر در کنار باده نوشی خود غافل نمانده و آن را در سرخی به گیاه عندم همانند می سازد:

فَبِتُّ كَأَنِّي شَارِبٌ بَعْدَ هَجْعَةٍ سُخَامِيَّةَ حَمَاءٍ تُحَسَّبُ عِنْدَمَا

(اعشی، بی تا: ۲۹۳)

- شب را در آنجا به سر بردم (و) گویی من بعد از خواب، باده‌ای سرخ می نوشم که همچون گیاه عندم [سرخ] است.

منوچهری نیز در شعر خود، خمر را در سرخی به «جلنار» تشبیه کرده و از ساقی می خواهد که او را با نوشاندن خمر، تسکین دهد:

ساقی بیا که امشب ساقی به کار باشد زان ده مرا که رنگش چون جلنار باشد

می ده چهار ساغر تا خوشگوار باشد زیرا که طبع مردم را بر چهار باشد

(منوچهری دامغانی، بی تا: ۳۲)

او در بیت دیگری، باده سرخ رنگی را توصیف می کند که چون عناب در جام سیمین است و ساقی زیباروی آن را تقدیم می کند:

زان می عنابگون در قدح آبگون ساقی مهتابگون ترکی حورا نژاد

(همان: ۳۱)

۵. توصیف مجالس باده نوشی

اعشی همواره در اشعار خود، از ندیم، ساقی و مطرب یاد کرده، و به زیباترین شکل، تصویر زیبایی از مجالس باده نوشی و بزم، به تصویر می کشد. او در شعر زیر تصویری از مجلس باده نوشی ارائه می دهد که در آن، مشغول باده نوشی است و کنیزکان ترک و کابلی در مجلس بزم، اطراف او می رقصند:

وَلَقَدْ شَرِبْتُ الْخَمْرَ تَرُّ

كُضُّ حَوْلَنَا تُرْكٌ وَ كَابِلٌ

(اعشی، بی تا: ۱۹۹)

- [در جوانی] چه بسیار شراب نوشیدم، در حالی که کنیزان تر ک و کابلی، اطراف ما می رقصیدند

منوچهری دامغانی نیز همچون اعشی در شعر زیر از مجلس بزمی سخن گفته که همه عاشق و معشوق گرد آمدند و از دست کنیز زیباروی سیمین بناگوش، جام می می گیرند و می نوشند:

ما بسازیم مجلس، امروزین روز
چون برون آید از مسجد آدینه خطیب
بنشینیم همه عاشق و معشوق به هم
نه ملامتگر ما را و نه نظاره رقیب
می دیرینه گساریم به فرعونى جام
از کف سیم بناگوشی با کف خضیب
(منوچهری دامغانی، بی تا: ۲۶-۲۷)

۶. دیگر مضامین شعری اعشی در وصف خمر

خریدن باده و چانه زنی بر سر قیمت آن، یکی از مضامینی است که اعشی در شعر خود از آن سخن به میان آورده است. او در موضوع خمر، گاهی گفت و گوی میان باده گسار و می فروش را در درون وصف خود می گنجاند که خود پیش درآمدی برای خمریات/خطل و ابونواس است (فاخوری، ۱۳۸۳: ۱۴۱). او مضمون خریدن باده از می فروش و چانه زنی بر سر قیمت آن را چنین بیان کرده:

تَخَيَّرَهَا أَخُو عَانَاتٍ شَهْرًا
وَرَجَّيْ أَوْلَهَا عَامًا فَعَامًا
يُؤْمَلُ أَنْ تَكُونَ لَهُ ثَرَاءً
فَأَغْلَقَ دُونَهَا وَعَلَا سِوَامَا
فَأَعْطَيْنَا الْوَفَاءَ بِهَا وَكُنَّا
نُهَيْنُ لِمِثْلِهَا فِينَا السَّوَامَا

(اعشی، بی تا: ۱۹۷)

- مالک دیار «عانات» یک ماه آن (باده) را پاک و برگزیده کرده و سپس امید دارد که سالی بعد از سال دیگر از زمان آن بگذرد (تا باده قدیمی گردد). وی امیدوار است که با این باده ثروتمند گردد و درب میکده را برای آن (گران فروختن باده) بسته و قیمت آن

را با چانه زنی بالا برده است. ما وفاداری خود را به این باده (با خریدن آن) نشان دادیم و برای اینگونه باده، ارزش شتران خود را کم شمردیم

یکی دیگر از مضامین شعری/عشی در موضوع خمر، وصف خس و خاشاکی است که در بالای باده وجود دارد. او در این خصوص برای نشان دادن زلالی باده سروده:

ثَرِيكَ الْقَدَى مِنْ دُونِهَا وَهِيَ دُونَهُ إِذَا ذَاقَهَا مَنْ ذَاقَهَا يَتَمَطَّقُ

(همان: ۲۱۹)

- [این باده]، خس و خاشاک را در حالی که در قعر آن است، در بالای آن به تو

می‌نماید و هرگاه نوشنده‌اش آن را بچشد، [پیوسته] به چشیدن ادامه می‌دهد

گذشته از این،/عشی به توصیف باده نوشان و سرمستی آن‌ها نیز پرداخته است. او در معلقه خود، در وصف این باده نوشان که در حال مستی بودند و کنیزکان زیبارو به آن‌ها شراب می‌نوشانیدند سروده:

لَا يَسْتَفِيقُونَ مِنْهَا وَهِيَ رَاهِنَةٌ إِلَّا بِهَاتِ وَإِنْ عَلَّوْا وَإِنْ نَهَلُوا
يَسْعَى بِهَا ذُو زُجَاجَاتٍ لَهُ نُطْفٌ مُقَلَّصٌ أَسْفَلَ السَّرْبَالِ مُعْتَمِلٌ

(همان: ۵۹)

- باده دائمی است و باده نوشان از آن جز با این (سخن که) باده بریز، بیدار نمی‌شوند،

هرچند که شرب اول آن‌ها باشد و یا شرب دوم. آن شراب را ساقی‌ای در جام‌های شراب می‌چرخاند که گوشواره مروارید درخشانی به گوش دارد و دامن پیراهن خود را بالا زده و دائماً و بانشاط خدمت می‌کند

۷. دیگر مضامین شعری منوچهری دامغانی در وصف خمر

یکی از مضامینی که به وفور در شعر منوچهری دامغانی دیده می‌شود، طلب کردن می از ساقی به هنگام نوروز و آمدن بهار است. او برای رسیدن به نهایت تنعم و آرامش، درخواست شرابی می‌کند که همراه با ساز و آواز نوازندگان و در میان باغ و گلستان باشد: نوبهار آمد و آورد گل تازه فراز می خوشبوی فزار آوار و بربط بنواز

(منوچهری دامغانی، بی تا: ۴۷)

او در شعر دیگری، مضمون فوق را تکرار کرده و درخواست باده صبحگاهی است که همیشگی و پیوسته است:

آمد نوروز ماه می خور و می ده پگاه هر روز تا شامگاه، هر شب تا بامداد
(همان: ۳۱)

نیز در شعر دیگری، ضمن تکرار مضمون قبلی، خوردن باده را به بزرگی و کرامت پیوند داده و چنین می‌سراید:

بیار ساقی زرین نبیذ و سیمین کاس به باده حرمت و قدر بهار را بشناس
نبیذ خور که به نوروز هر که می نخورد نه از گروه کرامست و نه از عداد الناس
(همان: ۴۷)

منوچهری دامغانی در شعری دیگر، باده را به غسل و رطوبت تشبیه کرده و میان باده‌نوشی و بخشندگی پیوند برقرار کرده و معتقد است که طریقه ادب، باده نوشی همراه با نیک اندیشیدن و نیکونگری است:

ای آنکه نخوردستی می گر بچشی زان سوگند خوری گویی شهد و رطب اینست
می گیر و عطاورز و نکو گوی و نکو خواه اینست کریمی و طریق ادب اینست
(همان: ۳۰)

۸- برخی از ویژگی‌های خمریات اعشی و منوچهری دامغانی

یکی از ویژگی‌های شعری اعشی در موضوع خمر این است که او قصیده مستقلی در این خصوص نسروده است اما در دیوان منوچهری می‌توان قصاید مستقلی در وصف باده مشاهده کرد.

از ویژگی‌های خمریات اعشی، استفاده از کلمات، ترکیبات و تصاویر ساده و آسان است، به طوری که حسین عطوان در مورد اعشی می‌نویسد: «الفاظ ساده و رقیق از خصوصیات شعری این شاعر به شمار می‌رود» (عطوان، ۱۹۷۹: ۲۶۰). نکته جالب اینجاست که سادگی واژگان در شعر اعشی، یکی از دلایل مهمی است که سبب شده کنیزان، شعر او را برای آوازه خوانی برگزینند، و به خاطر همین سادگی الفاظ و موسیقی دلنشین شعری اوست که به «صنّاجة العرب: چنگی عرب» مشهور است. نیز شاید به

خاطر همین سهولت کلمات شعری او است که / ابن رشیق می گوید: «شعر / عشی بیش از همه شاعران در بین مردم جاری است» (ابن رشیق، ۲۰۰۰: ۲ / ۲۸۵). اما باید اشاره کرد که این سادگی و سهولت در شعر منوچهری جاری نیست زیرا او بسیار از کلمات عربی بهره جسته و شعر خود را سخت کرده است. نمونه آن بیت زیر است که از کلمات و ترکیبات عربی استفاده کرده و همگان را دعوت به نوشیدن شراب صبحگاهی می کند:

باده فراز آورید چاره بیچارگان قوموا شرب الصبوح، یا آتھا النائمین

(منوچهری دامغانی، بی تا: ۱۰۸)

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در شعر / عشی بر خلاف شعر منوچهری دامغانی وجود دارد این است که او بسیار از اماکن باده چون حیره، بابل، یمامه و غیره و میکده‌ها نام برده است.

طبق بررسی‌ها، توصیف دو شاعر از باده، حسّی بوده و به دقت، شمول و توجه به جزئیات ممتاز است. نیز این دو شاعر، در این موضوع پرگویی کرده و به خمر شخصیت انسانی می‌بخشند، و با اسلوب لطیفی که خالی از بذله‌گویی نیست، به وصف باده، ندیمان، میخانه، ساقی، خنیاگر، کنیزکان بی‌پروا با جامه‌های بدن نما و آلات طرب چون چنگ و عود پرداخته‌اند.

دیگر اینکه / عشی از کلمات فارسی، بسیار بهره می‌برد به طوری که آذرنوش در مورد کلمات فارسی در شعر / عشی می‌نویسد: «از میان آثار جاهلی، هیچ اثری به اندازه دیوان / عشی بر کلمه‌های فارسی، نام‌های ایرانی و اشارت متعدّد به پادشاهان ایران و امیران حیره شامل نیست» (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۱۲۴). نیز / ابن قتیبّه در این خصوص می‌گوید: «عشی نزد پادشاهان ایرانی می‌رفت، از این رو در شعر او کلمات فارسی بسیار است» (ابن قتیبّه، ۱۹۹۷: ۱۷۰ و نیز: زرکلی، ۱۹۹۰: ۷ / ۳۴۱). از نمونه‌های کلمات فارسی در خمریات او، به واژه «الإسفنط: نام باده»، «الخسروانی: نام باده»، «التامورة: جام باده»، «المکوک: ظرف باده» و «الطهرجاره: فنجان» می‌توان اشاره کرد. او در بیت زیر از واژه

«الطهرجاره: فنجان» بهره برده و می‌گوید: قَى مِنْ إِنَاءِ الطَّهْرَجَارَةِ

ولقد شربتُ الرَّاحِ أَسْدُ قَى مِنْ إِنَاءِ الطَّهْرَجَارَةِ

(اعشی، بی تا: ۱۵۵)

- من باده را نوشیدم، حال آنکه از جام «طهرجار» به من نوشانده شد

نتیجه بحث

اعشی از سرآمدان شعر خمر در ادبیات عربی است که شاعران بسیاری در دو ادب فارسی و عربی از او تأثیر پذیرفته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به منوچهری دامغانی، عدی بن زید، بشار بن برد، ابونواس و اخطل اشاره کرد. در شعر اعی و منوچهری دامغانی، مضامین مشترکی همچون تأثیر باده بر جسم، شفا بخشی بوی باده و وصف مجالس باده نوشی همراه با رقص کنیزکان وجود دارد. در شعر دو شاعر علاوه بر مضامین مشترک، مضامین مختلفی نیز وجود دارد، به طوری که می‌توان گفت که اعی به توصیف خریدن باده و چانه زنی بر سر قیمت آن و تصویر خس و خاشاک در بالای باده توجه دارد و منوچهری به مضامینی چون طلب کردن می از ساقی به هنگام نوروز و آمدن بهار می‌پردازد. اعی در وصف خمر، قصاید مستقلی نسوده اما منوچهری دامغانی بر خلاف اعی، قصاید مستقلی در این زمینه دارد. وصف باده در شعر هر دو شاعر همراه با لهو و لعب بوده، و همچون باده در شعر حافظ، آسمانی نیست. دقت و شمول، توجه به جزئیات، وصف حسی، پرگویی در وصف باده و جان بخشی به باده، از دیگر ویژگی‌های شعری مشترک دو شاعر در توصیف باده است. اعی در وصف باده از کلمات و ترکیبات ساده و اوزان روان و دلنشین بهره برده که این قضیه، موسیقی شعر او را تقویت کرده است، اما شعر منوچهری، به سادگی و سهولت شعر اعی نیست.

کتابنامه

- ابن رشيق، أبو علي الحسن بن رشيق القيرواني. ۲۰۰۰م، **العمدة في محاسن الشعر وآدابه ونقده**، شرح صلاح الدين الهوارى وهدى عودة، بيروت: دار ومكتبة الهلال.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم. ۱۹۹۷م، **الشعر والشعراء**، محقق: عمر الطباع، بيروت: شركة دار الأرقم.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. ۱۳۶۳ش، **لسان العرب**، قم: نشر أدب الحوزة.
- ابن هشام. ۱۳۶۱ش، **سيرت رسول الله (ص)**، چاپ دوم، مترجم: رفيع الدين اسحاق بن محمد همداني، تهران: انتشارات خوارزمي.
- ابونواس، حسن بن هاني. ۱۴۲۲ق، **ديوان أبي نواس**، شرح سليم خليل قهوجي، بيروت: بي نا.
- آذر نوش، آذرتاش. ۱۳۷۴ش، **راه های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
- اصفهانى، أبو الفرج. ۱۹۹۴م، **الأغاني**، ط ۱، اعداد: مكتب تحقيق دار إحياء التراث العربى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- اعشى، ميمون بن قيس. بي تا، **ديوان اعشى الكبير**، شرح و تعليق محمد محمد حسين، القاهرة: دار الكتب المصرية.
- بستاني، بطرس. ۱۹۸۹م، **أدباء العرب في الجاهلية والإسلام**، بيروت: دار نظير عبود.
- جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر. ۱۹۹۰م، **البيان والتبيين**، تحقيق وشرح عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دار الجيل.
- حسان بن ثابت. ۱۹۹۴م، **ديوان حسان بن ثابت الأنصاري**، ط ۲، شرح وتقديم عبداً مهناً، بيروت: دار الكتب العلمية.
- رودكى، ابو عبدالله. ۱۳۸۲ش، **ديوان**، بر اساس نسخه سعيد نفيسى، تهران: انتشارات نگاه.
- زرکلی، خير الدين. ۱۹۹۰م، **الأعلام**، ط ۹، بيروت: دار العلم للملايين.
- عدى بن زيد. ۱۹۶۵م، **ديوان عدى بن زيد العبادى**، محقق: محمد جبار المعبيد، بغداد: شركة دار الجمهورية للنشر والطبع.
- عطوان، حسين. ۱۹۷۹م، **بيئات الشعر الجاهلي**، بيروت: دار الجيل.
- فاخورى، حنا. ۱۳۸۳ش، **تاريخ الأدب العربى: تاريخ ادبيات زبان عربى**، مترجم: عبدالمحمد آيتى، تهران: انتشارات توس.

کتاب لاتین

Boyce, Mary (1947). "The Parthian Gosan and Iranian Minstrel Tradition", *JRAS*.

مقالات

نامداری، ابراهیم و فولادی، محمد علی و لرستانی، نرگس. بهار ۱۳۹۵ش، «بررسی تطبیقی نگاره‌های وصف طبیعت در شعر ابن رومی و منوچهری دامغانی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۴۵-۱۶۸.

نجاریان، محمدرضا و محمدکاظم کهدویی، ۱۳۹۰ش، «نگاه شاعرانه رودکی و ابونواس به خمریات»، نشریه ادبیات تطبیقی، کرمان، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۵۰-۲۸۰.

